

بررسی و تحلیل اقدامات کنت آنتوان دمونت در تأسیس نظمیه به سبک جدید در دوره ناصری (۱۲۵۷-۱۲۷۰ ش)

جعفر محمدی برزگر^۱، علیرضا حیدرنژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

از صفحه ۱ تا ۲۶

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ نظامی

سال هشتم، شماره بیست و نهم، تابستان ۱۴۰۰

چکیده

هر جامعه و حکومتی برای تداوم، نیازمند نظم و امنیت است. در ایران در طول تاریخ نهادهای زیادی برای نظم و امنیت ایجاد شده است، ولیکن سیستم نوین نظم و امنیت داخلی (سازمان پلیس) در ایران سابقه چندانی ندارد و قدمت آن به اندکی بیش از یکصد و پنجاه سال برمی‌گردد. پایه‌گذاری این سیستم جدید از دستاوردهای سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اروپا و ورود کنت آنتوان دمونت به ایران بود که منجر به تأسیس نظمیه به سبک و سیاق جدید توسط وی شد. در تحقیق پیش رو به بررسی نقش کنت آنتوان دمونت فورس در ایجاد سیستم نوین پلیسی در ایران پرداخته شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای است. هدف از این پژوهش، بررسی اقدامات کنت در تأسیس نظمیه به سبک جدید در دوره ناصری می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد به‌رغم انجام اقدامات شایسته مانند سامان‌دهی و تقسیمات اداری نیروهای نظمیه، خصوصاً انتشار نظام‌نامه کنت که اولین قانون مدون پلیسی در ایران است، به علت کارشکنی‌های درباریان، ناتوانی مالی و ضعف نیروهای نظمیه و مهیا نبودن شرایط عمومی کشور، اقدامات کنت با موفقیت کافی روبه‌رو نشد. در ارزیابی کلی می‌توان گفت در مجموع این اقدامات توانسته است ادبیات جدیدی را در حوزه نظم و امنیت وارد کشور نموده و او را می‌توان بنیانگذار پلیس نوین در ایران دانست.

کلید واژه‌ها:

نظم و امنیت، نظمیه، کنت دمونت فورس، نظام‌نامه، دوره ناصری.

۱- دکتری مدیریت پیشگیری از جرم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، نویسنده مسئول: tat1352@yahoo.com

۲- دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

مقدمه

بعد از بلوای نان در تهران (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷)، ناصرالدین شاه که متوجه شده بود با نیروهای انتظامی موجود قادر به تأمین نظم و امنیت در شرایط اضطراری نیست و این نیروها با وضعیتی که دارند قابلیت مدیریت شرایط بحرانی را ندارند. وی در طول سفرهای خود به اروپا، پلیس‌های خوش لباس و منظمی را در شهرهای بزرگ اروپا دیده بود و به این فکر افتاد که به دستگاه نظمی ایران سروسامان دهد. به همین جهت از کشور اتریش که نسبت به ایران یک کشور بی‌طرفی محسوب می‌شد، درخواست اعزام مستشار را نمود. طولی نکشید که با موافقت آن کشور فردی به نام «کنت آنتوان دمونت فورت»^۱ ایتالیایی که در ایران به اسم کنت مشهور است، برای اصلاح سازمان نظمی وارد ایران و با عنوان ریاست پلیس تهران مشغول به کار شد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۵۲). تغییر در ساختار پلیس هم‌زمان با تغییراتی صورت می‌گرفت که شاه در شیوه حکمرانی خود انجام داده بود. وی مبادرت به تقسیم وظایف میان شش وزارتخانه فواید عامه، داخله، خارجه، مالیه، جنگ و عدلیه در سال ۱۲۷۵ق کرده و مجلس «دربار اعظم» یا «دارالشورای کبرای دولتی» با عضویت صدراعظم، وزیران و شاهزادگان بزرگ و چند تن از رجال و اعیان را تأسیس کرده بود و این برای اولین بار بود که تغییراتی تا این حد در ساختار کهنه حکومت پادشاهی ایران صورت می‌گرفت. هرچند که کارکرد این مجلس، مشورت در باب اجرای اموری بود که دستور آن از طرف شاه صادر می‌شد و فقط با امور و مسائلی موافقت می‌کرد که اراده شاه به آن تعلق گرفته بود (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

کنت برای نخستین بار نظام‌نامه و مقرراتی برای تشکیلات پلیس ایران وضع کرد و در مقدمه آن چنین نوشت: «در کشور پهناوری چون ایران که فعلاً فاقد آمار و احصائیه خانوادگی است تشکیل ژاندارمری مقدور نیست. در مملکتی که قریب به سه میلیون نفر عشایر مسلح وجود دارد، برای نیروی انتظامی مقدور

1- Conte de Monte Forte

نیست در مقابل آن مقاومت کند. پس اکنون عشایر و افراد مزدور که از طرف حکام و والی‌ها به‌عنوان «قره سوران» استخدام و در جاده‌ها و معابر عمومی به کار گمارده می‌شوند کما فی‌السابق در خدمت باشند تا اینکه اوضاع ایران روزبه‌روز تغییر یابد و اسلحه عشایر محدود شود. در آن وقت تشکیل ژاندارمری مقدور خواهد شد؛ ولی تشکیل سایر واحدهای تأمینیه یعنی پلیس فعلاً برای پایتخت لازم است و متدرجاً در شهرهای دیگر نیز امکان خواهد داشت» (سیفی، ۱۳۶۲: ۲۹۳). از مفاد این مقررات چنین استنباط می‌شود که در آن زمان نه تنها در هیچ کدام از شهرهای ایران و بلکه در پایتخت نیز نهاد مسئول نظم و امنیت به معنای امروزی موجودیت نداشته و کنت را که اینک لقب نظم‌الملک گرفته بود، باید اولین رئیس پلیس تهران دانست.

هدف تحقیق پیش رو، بررسی اقدامات کنت در تأسیس نظمیه به سبک جدید می‌باشد. در بررسی‌های به عمل آمده، محقق با پژوهش جامعی که صرفاً به بررسی همه‌جانبه اقدامات کنت در تأسیس نظمیه در دوران ناصری پرداخته باشد؛ مواجه نگردید بنابراین به نظر می‌رسد در تحقیقات مربوط به این دوره خلأهای جدی تحقیقاتی وجود داشته باشد و این تحقیق در این راستا صورت گرفته است. اگرچه دور از انصاف است به مطالبی که در این خصوص توسط تعدادی از محققان دوره قاجار بیان شده است اشاره نکرد. بر این مبنا، تحقیق پیش رو با روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی به بررسی اسنادی-کتابخانه‌ای این موضوع پرداخته است که چه عاملی منجر به ضرورت ورود کنت به ایران شده است و اقدامات وی موجب چه تغییراتی در سازمان پلیس ایران شده است و این اقدامات را می‌توان چگونه ارزیابی کرد بر این مبنا سؤال اصلی این تحقیق این است که مهمترین اقدامات کنت برای تأسیس نظمیه به سبک جدید در دوره ناصری چه بوده است؟ فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که اقدامات کنت توانسته است نظمیه به سبک جدید در دوره ناصری ایجاد نماید.

پیشینه پژوهش: رحیمی‌کیا (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «پلیس (نظمیه) در دوره ناصری» معتقد است باوجود تشکیلات جدید (نظمیه کنت) وضعیت امنیت در تهران نسبت به قبل چندان فرقی نکرد و پلیس نقش چندانی در

برقراری نظم و امنیت نداشت و تقریباً در سراسر کشور از مفهوم امنیت اثری نبود و همچنان ظلم و ستم، راهزنی و تجاوز به جان و مال و ناموس مردم رواج داشته است. نظمیه از این جهت که توانست بر مناصب سنتی گذشته چون داروغه، کلانتر، گزمه، پای بگذارد و به یک سازمان مهم امنیتی و نوینی تبدیل شود که در آن پلیس قوی با لباس متحدالشکل شکل گیرد بسیار ارزشمند بود، اما از این جهت که در رأس ساختار نیروی پلیس اشخاص بیگانه قرار داشت، موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی درباریان، بزرگان، علما و مردم به آن گشته بود و آن سازمان را عملاً ناکارآمد گردانید.

بیاتلو (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «معضلات اجتماعی عهد ناصری در رساله قانون قزوینی»، با تأکید بر شاخص سرقت مهم‌ترین اقدام کنت را اصلاح زندان و امور زندانیان می‌داند. وی بیان می‌دارد که کنت در بند هجدهم نظام‌نامه خود سعی کرده است تا تمهیداتی بیندیشد که بر اساس آن مدت حبس مجرمان و سارقان در زندان (انبار شاهی) برای آنان سودمند باشد و آنان در هنگام خروج از زندان حرفه‌ای آموخته باشند. این تفکر کنت در اجتماع عهد ناصری که هیچ برنامه مدون و مشخصی برای زندانیان وجود نداشت و حتی زندان نظام‌مندی نیز برای سامان دادن زندانیان در نظر گرفته نشده بود، به‌راستی گامی نوین تلقی می‌شد.

کریمیان (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نظمیه تهران در عصر ناصری»، به بررسی کامل سازمان اداری نظمیه دوره کنت پرداخته است. وی در این تحقیق صورت اسامی ۴۰۲ نفر از افراد پلیس تهران به همراه مناصب آنان را بیان داشته است.

امین‌صارمی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تطور ساختار و تشکیلات انتظامی در ایران دوره قاجاریه»، معتقد است با آغاز سفرهای اروپایی ناصرالدین‌شاه و آشنایی با فرهنگ و تشکیلات آن‌ها، اداره پلیس در دوران کنت دومونت فرت سازماندهی تازه‌ای یافته است و در سراسر ایالات و ولایات رویه واحدی در قالب تشکیلات خاص و مشخصی شکل گرفته است. نظام‌نامه کنت، نظام‌نامه‌ای برای رسیدگی به امور انتظامی بوده که صورت

تازه‌ای از اداره پلیس را تأسیس می‌کرد، به طوری که بعدها به وزارت نظمیه تبدیل و دارای دوایر و تشکیلات ثابتی شد.

زنگنه (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «سیر تحول تاریخی پلیس در ایران» مهم‌ترین اقدامات کنت را تشکیل پرونده برای متهمان که برای اولین بار در تاریخ ایران انجام می‌شد تقسیم و تفکیک وظایف مسئولان نظمیه و قانون‌مندی نظمیه نسبت به سابق عنوان می‌کند. بختیاری و آبادیان (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «روابط سیاسی ایران و اتریش در دوره ناصری»، ضمن بررسی روابط ایران و اتریش در آن دوره مهم‌ترین دلایل عدم توسعه و تداوم ایران را مخالفت‌های دو کشور انگلیس و روسیه، مناسب نبودن شرایط داخلی، مخالفت و کارشکنی بعضی از عمال دولتی و صاحبان قدرت از جمله کامران میرزا عنوان می‌کنند. میری (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «نظمیه در دوران قاجار» سابقه تشکیلات نظمیه نوین در ایران را مربوط به دوره ناصری و اقدامات امیرکبیر برای تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی عنوان می‌کند بر این اساس اولین اقدام او تأسیس سازمان خفیه و تأسیس قراول خانه بوده است.

بررسی نهایی پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهد این تحقیقات لزوم اولیویتی در بررسی همه‌جانبه اقدامات کنت در بازسازی پلیس نوین ایران نداشته‌اند و به صورت گذرا هر کدام اشاراتی به این موضوع داشته‌اند لذا امکان ارزیابی دقیق اقدامات کنت در محتوی آنها وجود ندارد. این تحقیق را می‌توان از این لحاظ با تحقیقات پیشین متفاوت دانست که صرفاً به موضوع و اقدامات کنت در بازسازی پلیس ایران پرداخته است بنابراین یافته‌های تحقیق امکان ارزیابی بهتری را برای بررسی موفقیت یا عدم موفقیت فراهم آورده است.

پیشینه تلاش برای ایجاد تشکیلات نظمیه به شکل نوین

در ابتدای تشکیل دولت قاجار، نظمیه بیشتر شبیه به دوره زندیه و تا حدودی عصر صفویه بود. سابقه ایجاد تشکیلات نظمیه به شکل نوین (شهربانی) جهت تأمین و حفظ امنیت، به اوایل دوره ناصری بازمی‌گردد. میرزا تقی‌خان امیرکبیر چون به ارزش و اهمیت امنیت واقف بود، قدم اول را در راه

ایجاد و حفظ شهرها و راه‌ها برداشت. نخستین اقدام او تأسیس سازمان خفیه بود (میری، ۱۳۸۳: ۱). وی هنگام کار در سفارت امپراتوری عثمانی با ادارات دولتی و نحوه عملکردشان آشنا شده بود و زمانی که به صدارت رسید برای ایجاد نظم و تأمین امنیت جانی و مالی در تهران دستور داد ۴۰ قراول خانه در نقاط مختلف دارالخلافه دایر شود. وی همچنین برای هر قراول خانه، ۱۲ نگهبان تعیین کرد، اما پس از وی و با روی کار آمدن میرزا آقاخان نوری به دلیل طرز فکر ارتجاعی‌اش هیچ قدمی برای تأمین امنیت مردم تهران برنداشت؛ بلکه همه کارهای امیرکبیر را نیز لوٹ نشان داد. با به قدرت رسیدن میرزا حسین سپهسالار (مشیرالدوله) دوباره اصلاحات مربوط به استقرار نظم از نو شروع شد. وی برای نخستین بار کلمه نظمیه را به کار گرفت و اداره نظمیه را تشکیل داد و محمدعلی‌خان را که از محصلان دارالفنون و از فرنگ برگشته بود، به ریاست نظمیه تهران گماشت، اما هیچ یک از مأموران و مردم اسم اداره نظمیه را نپذیرفتند و آن را اداره می‌خواندند و در کل کلمه اداره در اذهان مردم از نظمیه شروع و شناخته شد (تهرانی شفق، ۱۳۸۸: ۸۳). پس از تأسیس نظمیه ناصرالدین‌شاهی، امور انتظامی شهر توسط قراول‌ها انجام می‌شد و محل اجتماع آنان یا پایگاهشان قراول خانه بود. در تبریز بیست و در تهران چهل قراول خانه وجود داشت. امیرکبیر تعداد آنها را افزایش و بسیاری از قراول‌خانه‌ها را به مفهوم پاسدارخانه در راه‌ها و اطراف شهر ایجاد نمود، قراول‌ها به دسته‌های ده‌تایی تقسیم می‌شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۲۰۲۲). وره‌رام سلسله‌مراتب نظمیه در ابتدای دولت قاجار را چنین آورده است: تحت نظر حاکم، داروغه یا رئیس پلیس بود و بعد کلانتر یا شهردار و کدخدا که رئیس حوزه‌ای در شهر و یا مرد سال‌خورده دهکده بود (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۸۳). شاید گزارش دقیق‌تر از اوضاع پلیس و نظمیه در ابتدای دولت قاجار و عصر فتحعلیشاه را مدیون سرهنگ گاسپار دروویل باشیم. او می‌نویسد: در ایران از مشاور حقوقی، وکیل دعاوی و بازپرس و دادستان اثری نیست، قضاوت فوری و بدون استیناف انجام می‌شد. وظایف پلیس و رسیدگی به منازعات مردم با داروغه‌ها بود. داروغه‌ها در بازارها و مکان‌های خاصی که داشتند به محض

تسلیم شکایت، به جرم رسیدگی می‌کردند. البته رسیدگی به جرائم بزرگ‌تر بر عهده قاضی بود (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

برخی پژوهشگران، دوران پنجاه‌ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: نخست، دوره ۱۰ ساله‌ای از ۱۲۶۴ ه.ق/۱۸۴۸ میلادی (تاج‌گذاری شاه) تا سال ۱۲۷۴ ه.ق/۱۸۵۸ میلادی که آن را دوران آشفتگی می‌دانند. شاه جوان در این دوره توانست با کمک صدراعظم‌های خود (امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری) آشوب‌هایی مانند شورش خراسان و قیام بایبی‌ها را سرکوب کند. دوره دوم را که از ۱۲۷۴ ه.ق/۱۸۵۸ م تا ۱۳۰۷ ه.ق/۱۸۹۰ میلادی، حدود سی و دو سال طول کشید، می‌توان دوران آرامش و شکوفایی نسبی نامید. در این دوره، ناصرالدین‌شاه از برکت تربیت اکتسابی که از امیرکبیر یافته بود، به اصلاحات داخلی تمایل داشت. ضمن اینکه توجه امیرکبیر به تنظیم امور مالی و لشکری و کشوری خواه‌ناخواه برخی رجال میهن‌پرست را به خرابی وضع مملکت متوجه نموده بود (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۷۲). در این مقطع زمانی، شاه سه بار به اروپا سفر کرد. این سفرها باعث شد تا او عقب‌ماندگی اقتصادی و صنعتی، فساد اداری و بی‌تدبیری در اداره ایران را در مقایسه با دول اروپایی به شکلی ملموس درک کند. شاه در اولین سفر خود به فرنگستان، هنگام عبور از روسیه، وضع سواره‌نظام قزاقان را مورد توجه او قرار داد بدین صورت که هنگام گذر از سن‌پترزبورگ با دیدن مراسم رژه قزاق‌ها تحت تأثیر نظم و ترتیب و ظاهر آراسته ایشان قرار گرفت و از روس‌ها خواست تا واحدی مشابه در ایران تأسیس نمایند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۵۲). سپس طی قراردادهایی در سال ۱۲۹۶ ق، سرهنگ باتجربه‌ای به نام دومانتویچ از سوی امپراتور روسیه، همراه دو سواره‌نظام و پنج گروهبان برای ایجاد یک تیپ وارد ایران شدند و قرار شد افراد و افسران جزء این هنگ، ایرانی و افسران آن روس باشند و چون لباس افراد و افسران این هنگ از روی لباس قزاق‌های روسیه تقلید شده بود، این قوا فوج قزاق نام گرفت. سال بعد هنگ دیگری به وجود آمد که این دو واحد به بریگاد قزاق ایران شهرت یافتند (میرزایی، ۱۳۸۳: ۶۱). ناصرالدین‌شاه در دومین سفر خود به اروپا در سال ۱۲۵۲ هجری شمسی با

مشاهده قوای پلیس و نظم و انضباطی که در شهرهای اروپایی برقرار بود، تصمیم گرفت در ایران نیز چنین تشکیلاتی به وجود آورد. از این رو از دولت اتریش برای بنیان نهادن اداره پلیس تهران، به شکل نوین و اروپایی درخواست کمک کرد. پس از این درخواست دولت اتریش پس از مدتی مطالعه یک نجیب‌زاده ایتالیایی بنام کنت دمونت فورت را که در امور پلیسی دارای اطلاعاتی بود، به ناصرالدین‌شاه معرفی نمود (زاوش، ۱۳۷۰: ۲۶۹). در دوره سوم که از ۱۳۰۸ ه.ق/۱۸۹۰ تا ۱۳۱۳ ه.ق/۱۸۹۶ (سال کشته شدن ناصرالدین‌شاه) حدود هفت سال طول کشید، گویا شاه از کشورداری خسته و از هر کار اصلاحی نومید شده و فقط به فکر گردآوری پول و مال برای تأمین هزینه زن‌های گوناگون خود افتاده بود (تیموری، ۱۳۸۵: ۵). لذا این ناامیدی تأثیراتش را بر اندیشه اصلاح در نظمیه نیز گذاشت و شاه دیگر از تغییرات اساسی در این حوزه حمایت نکرد و ریاست نظمیه را به ایرانیان سپرد.

ورود کنت به ایران و تأسیس نظمیه

کنت با نام کامل آنتوان دمونت فرت (۱۸۳۹ م) از اهالی ناپل و سیسیل ایتالیا بود، وی در بندر ناپل با درجه نظامی در گارد ویژه پادشاه ناپل و سیسیل وارد خدمت می‌شود. در سال ۱۸۶۰ میان فرانسوای دوم و نیروهای ژوزف گاریبالدی سردار ملی و آزادی‌خواه ایتالیایی جنگ در گرفت که منجر به شکست نیروهای فرانسوا گردید. او با بیست تن از افسران از جمله کنت که به وی وفادار بودند به اتریش رفت. کنت پس از آن مدتی در ارتش آن کشور به خدمت پرداخت، اما در سال ۱۸۶۹ از خدمت نظام اتریش چشم پوشید و در شهر وین به زندگی غیرنظامی روی آورد. در سال ۱۸۷۸ م ۱۲۵۹ ق به هنگام سفر دوم ناصرالدین‌شاه و اقامت چندروزه او در وین - پایتخت اتریش - هنگری - کنت کرانویل مهماندار شاه در اتریش روزی که شاه در مورد پلیس وین اظهار نظر حاکی از قدردانی می‌کرد، به عرض رساند که شخصی را می‌شناسد که می‌تواند پلیس را در ایران دایر و آن را به بهترین شکل اداره کند. شاه خشنود شده درخواست کرد او را با سفارش‌نامه‌ای به تهران بفرستند (معتضد، ۱۳۸۳: ۴۸).

تا قبل از ورود کنت، حکومت تهران مسئول اداره امور تهران بود. حفظ نظم

و امنیت نیز از وظایف همین نهاد حکومتی شمرده می‌شد. هر حاکم یک پیشکار یا معاون داشت که اصطلاحاً عنوان وزیر به وی اطلاق می‌شد. زیر نظر او کلانتر شهر و زیردست کلانتر شهر، کدخدایان محله‌ها خدمت می‌کردند (سیفی، ۱۳۶۲: ۳۵). کدخدایان اجازه داشتند که مانند روسای پلیس به عرایض مردم رسیدگی کنند تا حقدار را به حقشان برسانند، به‌گونه‌ای که در حق کسی ظلم نشود. بنابر اختیاری که بر عهده کدخدایان گذاشته شده بود، آنها می‌توانستند مجرمان را جریمه یا مجازات نمایند؛ اما در صورتی که خطای متهم سنگین بود وی را به نزد حاکم شهر می‌بردند تا او در این باره تصمیم بگیرد (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۵۴). مسائل انتظامات شهری و برقراری نظم و امنیت بر عهده داروغه و در حقیقت همه کاره و از قدرت زیادی برخوردار بوده است. سختگیری‌ها و مجازات داروغه، باعث می‌شد که تا حدودی جامعه از نظم و انضباط بالایی برخوردار شود (اوبن، ۱۳۶۳: ۶۵). حفاظت از بازار و نگهبانی بر پشت‌بام‌های شهر از وظایف عسس بود، در کنار عسس‌ها، میرشب‌ها قرار داشتند که مأمورین مسلح به‌شمار می‌رفتند و برای حفظ امنیت شهرها انجام وظیفه می‌کردند (حسن‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۳۶).

بررسی وضعیت انتظامی تهران و ارائه گزارش به شاه

کنت پس از ورود به تهران به بررسی وضعیت شهر پرداخت و ضمن گزارشی به ناصرالدین‌شاه اعلام کرد که با چهارصد پلیس پیاده و شصت پلیس سوار می‌تواند امنیت شهر تهران را به نحو رضایت بخشی تأمین نماید. شاه نیز با درخواست وی موافقت کرد (زاوش، ۱۳۷۰: ۲۶۹). امین‌الدوله در خاطرات سیاسی خود می‌نویسد: «ناصرالدین‌شاه پس از ورود کنت و همراهان نظامی‌اش به تهران، توسط امین‌الملک در مجلس شورای کبری (مجلس وزراء) تعیین محل مرسومات اتریشی‌ها و قزاق و اداره پلیس را از خرج‌های غیرلازم خواست. مستوفی‌الممالک و سپهسالار، از دوایر کشوری و لشکری، فقراتی را استخراج و بودجه و مبالغی برای مخارج آن در نظر گرفتند.» کنت نخست دو دستیار و یک مترجم برای خود برگزید. به قول اعتمادالسلطنه بر حسب اراده همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر توسط «نواب اشرف والا امیرکبیر نایب‌السلطنه

ادام‌الله اقباله‌العالی» به ریاست «کنت دومونت فورت» در دارالخلافه برقرار گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۲۰۲۲).

تأسیس اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه

پس از تدارک مقدمات کار روز ۱۶ ذی‌قعدة ۱۲۹۵ ق (دوشنبه ۲۰ آبان سال ۱۲۵۷ ش) اولین تابلوی پلیس در ابتدای خیابان الماسیه [باب همایون] بر سر در عمارت پلیس با عنوان اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه نصب گردید. ناصرالدین‌شاه در روز افتتاح پلیس دارالخلافه شخصاً حضور یافت و از همان روز مردم با واژه پلیس آشنا شدند. از نوشته تابلو چنین برمی‌آید که تکالیف شهربانی و شهرداری در یک واحد تمرکز داشته و کنت در بدایت کار هم رئیس پلیس (شهربانی) و هم رئیس احتسابیه (شهردار تهران) بوده است (سیفی، ۱۳۶۲: ۵۶). لباس پلیس ایران شبیه لباس نیروی پلیس وین بوده است (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۳۳۵). یونیفرم پلیس‌ها در دوره کنت، نیم‌تنه سورمه‌ای سیر و یقه بلند و بسته، با دکمه برنجی شیر و خورشید، شلوار آبی کم‌رنگ و کلاهی از پوست، با نشان شیر و خورشید بود (تهرانی، ۱۳۸۸: ۹۷). برای شروع کار ایشان شرایطی در نظر گرفته شد. بدین معنا که در مسائل شرعی از قبیل ازدواج، ارث، طلاق و... حق مداخله نداشت و فقط در دستگاه اداری ناظر اجرای آن احکام می‌باشد. از این‌رو کار این دستگاه بیشتر به تعقیب و مجازات سارقین و جلوگیری از کارهایی مثل بدمستی و... مربوط می‌گردید (افتخارزاده، ۱۳۷۷: ۱۹-۱۴). اعتمادالسلطنه بیان کرده است که دیری نپائید که کنت به لقب نظم‌الممالکی و امتیاز امیر تومانی^۱ سرافراز شد و حتی از سوی دولت عثمانی نشان درجه سوم مجیدی که این نشان مختص عثمانی‌ها بود را دریافت نمود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۴). اگرچه اعتمادالسلطنه علت دریافت این نشان را از سوی دولت عثمانی بیان نکرده است ولیکن شاید علت آن را بتوان در دسته‌بندی روابط کشورها (عثمانی و اتریش) قبل از تحولات جهانی سده بیستم تبیین نمود.

۱- واژه مغولی و به معنی فرمانده قشون ده‌هزارنفری بوده است (سرلشکر) مقامی بالاتر از میرپنج (سرتیپ) و پایین‌تر از امیرنویان (سپهبد). لغت‌نامه دهخدا

کنت پس از ورود به تهران در خانه‌ای واقع در سر تخت بربری‌ها، پشت پارک ظل‌السلطان ساکن شد؛ اما پس از مدتی چون شاه را بیش از آنچه توقع و امید داشت به خود مهربان دید، بر آن شد که تا پایان عمر در ایران بماند و چون آن خانه را فراخور حال و مقام خویش ندید، زمین نسبتاً وسیعی در شمال خیابان لاله‌زار -جایی که امروز جزئی از آن به نام و یاد او چهارراه کنت نامیده می‌شود- از حاج ابراهیم‌خان ظهیرالدوله خرید و سپس باغ بزرگ و زیبایی آراست و پس از اینکه عمارت باشکوهی در میان آن ساخت و با زن و دو پسر و دخترش بدان جا نقل‌مکان کرد (یغمایی، ۱۳۵۱: ۳۴۷؛ شهری، ۱۳۷۱: ۸۲). حقوق کنت سه هزار تومان تعیین و سهم علیق این منصب امیر تومانی را هم می‌گرفت (یغمایی، ۱۳۵۱: ۳۴۹). در آن زمان حقوق و مزایای نیروهای شهربانی که گاه پرداخت آن ماه‌ها به تعویق می‌افتاد، برای افسران جزء از ماهانه پنج تومان تجاوز نمی‌کرد و به افراد پلیس هم مقرری ماهیانه خیلی ناچیزی (پنج تا بیست قران) داده می‌شد. خیلی وقت‌ها پاسبان‌ها و مأمورین رسمی انتظامی به جای انجام وظایف پلیسی، در دکان‌های قصابی و عطاری خود مشغول کار بودند و بازتاب این موضوع در دو بیت شعر که زبان‌زد افراد پلیس شده بود بهترین معرف وضعیت و زبان حال پاسبان‌های آن زمان است:

ما پلیسان حضرت شاهیم
نه مواجب نه جیره و نه علیق
از خیالات مرنارد آگاهیم
نوکر قربه الی اللہیم

(عباس، ۱۳۹۵: ۲۵)

یغمایی معتقد است کنت در ایران ابتدا زندگی آرام و پرآسایشی داشت و در میان درباریان و بزرگان کشور دوستان فراوانی داشت و محترم بود؛ بنابراین پس از چند سال اقامت در ایران مایل به تابعیت ایران شد و چند بار در این خصوص از شاه اجازت و فرمان طلبیده بود. از دو نامه‌ای که وی به آن اشاره می‌کند نخست عریضه‌ای است که کنت در تقاضای تابعیت به او نوشته است و دستور شاه به صدراعظم دایر به قبول تقاضای کنت و نامه دوم عریضه‌ای است به مظفردین شاه در مطالبه طلبی که از کامران میرزا نایب‌السلطنه پسر ناصرالدین‌شاه داشته است (یغمایی، ۱۳۵۱: ۳۴۸). گفتنی است که این آرامش

بعدها خصوصاً دوره مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه با مشکلاتی مواجه شده بود و او در تأمین مایحتاج ضروری خود به علت کاهش حقوق شکایت می‌کرد.

نظام‌نامه کنت

کنت در سال ۱۲۹۶ ق برای آنکه اداره پلیس قوانین مکتوبی داشته باشد و مردم و افراد پلیس از وظایف اداره جدید آگاه باشند و حدود اختیارات پلیس را معلوم نماید، «کتابچه کنت» را که دارای یک مقدمه و ۵۸ ماده یا فصل بود نوشت. در مقدمه آن وظایف پلیس و قوانین در باب توطئه علیه خانواده سلطنتی، اعمال منافی عفت، جنحه، جنایت برضد دولت و مذهب، سرقت و توهین به مأمورین دولت و همچنین وظایف مستخدمین و نوکرها نسبت به خود را درج نموده بود (سیفی، ۱۳۶۲: ۷۱). در مقدمه آن نوشته بود که «پلیس مستقیماً و بلافاصله تعلق به اعلیحضرت شاهنشاه جم‌جماه روحنا فداء و حکمران دارالخلافة دارد. پلیس مأمور است به این که مراقبت نماید تا در مملکت بی‌نظمی و بی‌اعتدالی واقع نشود. پلیس مکلف است بر این که مواظبت کرده نگذارد احدی حق احدی را مستقیماً یا به واسطه مجبوراً ببرد و غصب نماید. مقصود از این حقوق عادیه یومیه است نه مطلق و دعاوی و فقط اموری است که به مغلطه، فریب و خدعه آلوده باشد که حل آن تکلیف پلیس است» (معتضد، ۱۳۸۳: ۵۳). قابل ذکر است در این دوره مقامات حکومتی و حکام ایالات با اجرای مجازات عرفی خشن نظیر چوب و فلک کردن، تازیانه زدن، گوش و دماغ بریدن، بریدن انگشتان، بریدن موها، بریدن سر یا دست، با طناب خفه کردن، چشم درآوردن، سوزانیدن، زنده زنده در گودال دفن کردن یا ملاط گرفتن، به درخت بستن و شقه کردن، حبس و زندانی کردن، تبعید کردن، اعدام کردن، مهار کردن و در شهر گردانیدن و تحقیر کردن، گرسنگی دادن، میخ کردن لاله گوش به دیوار، دم توپ گذاشتن، قطعه قطعه کردن اعضای بدن و بر سر دروازه‌ها آویختن، مصلوب کردن و دار زدن، کشتن با خنجر و شمشیر، جریمه کردن، کشیدن دندان و خرد کردن، چوب زیر ناخن فرو کردن و شکنجه‌های دیگر سعی داشتند دزدان، راهزنان و عوامل مخمل‌ناامنی را مهار کنند و دیگران را به عبرت وادارند که تأثیر چندانی

در پی نداشتن است (ثواقب و معظمی گودرزی، ۱۳۹۴: ۳۶)؛ بنابراین کنت سعی کرد وضعیت موجود را ساماندهی کند. لذا پس از نوشتن نظامنامه، آن را به شاه تقدیم کرد. ناصرالدین شاه نظامنامه کنت را توشیح و ضمن فرمانی به کامران میرزا نایب السلطنه که حکمران تهران بود، دستور اجرای آن را صادر کرد که این نظامنامه بعدها به «کتابچه قانون کنت» معروف شد (افتخار زاده، ۱۳۷۷: ۱۵).

سازمان اداری نظمیه

سازمان اداری نظمیه در آن عصر از سازمان اداری پلیس وین تقلید شده بود و شامل اجزای ذیل بود:

- وزارت نظمیه،
- دفتر محاکمات وزارت نظمیه،
- دایره محاکمات و دعاوی،
- دفتر ثبت اسم و مسروقات،
- مأمور ابلاغ احکام همایونی به نظمیه،
- رئیس گردش شهر و نظم و ترتیب،
- رئیس فوج مأمور نظمیه دارالخلافه،
- رئیس دارالانشاء،
- رئیس مجلس تحقیق و استنطاق،
- منشی روزنامجات،
- نایب اول مجلس استنطاق و محقق وزارت نظمیه،
- و رئیس تدارکات و ملبوس (کریمیان، ۱۳۹۵: ۶).

با این تقسیمات و ساختار جدید می توان گفت وضعیت پلیس نسبت به دورانی که قراولها وظیفه نظم و امنیت را بر عهده داشتند بهتر شد. از نظر

تابعیت سازمانی، نظمیه در دوران کنت، جزو دوایر سازمان حکومت تهران بود و از این رو کلیه اخبار به اطلاع کامران میرزا نایب السلطنه می‌رسید، اما کنت برخلاف این رویه تمام استخبارات و گزارش‌ها را در رابطه با سیاست داخل و خارج مملکت مستقیماً به عرض شاه می‌رساند (تسویک، ۱۳۴۸: ۱۱۸). در سال ۱۲۹۷ ق یعنی دو سال پس از تصدی کنت، پلیس طهران تشکیلاتی به شرح زیر داشته است:

- رئیس اداره جلیله پلیس: کنت دمونت فورت
- مستشار و صاحب‌منصب اول اداره پلیس: عبدالحسین خان
- مستشار اداره جلیله و رئیس محله سنگلج: میرزا سعید
- رئیس محله دولت: میرزا محمدحسن
- رئیس محله چاله میدان و عودلاجان: میرزا محمدحسین خان
- رئیس محله بازار: میرزا سید احمد
- داروغه دارالخلافة: نایب حسین
- نایب کل اداره احتساب و مهندسی شهر دارالخلافة: میرزا علی اشرف خان سرهنگ

با توسعه شهر تهران و ازدیاد جمعیت، کنت بر اداره‌ها و مناصب جدید سازمان پلیس تهران نیز افزود و در سال ۱۳۰۶ ق. یعنی پس از یازده سال، ادارات ذیل به تشکیلات نظمیه اضافه شدند: نایب کل اداره پلیس، مستشار اول اداره، کلانتر و مستشار اداره، ناظم مأمورین اداره، داروغه بازار، منشی باشی اداره، رئیس گردش‌های شهر، رئیس مخزن اداره، منشی اطاق جنایات، منشی راپورت‌های شهر، مأمور نظم میدان‌ها (اشراقی، ۱۳۹۸: ۳). در مورد تعداد افراد پلیس در دوره کنت تا به حال آمار و ارقام مستندی وجود ندارد و از سویی بنا به ضرورت شمار نیروهای پلیس متغیر بوده است. مطابق ارقامی که اعتمادالسلطنه ارائه کرده است، در سال ۱۲۶۷ ق، ۳۹۴ نفر و در

سال ۱۲۶۸ ق ۴۰۲ نفر و در سال ۱۳۰۷ ق نیز ۴۰۲ نفر بوده است (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۳۳۶). کنت در اقدامی دیگر کدخدایان محلات را مأمور حفظ و نظم شهر کرد و عده‌ای از افراد خود را در اختیار کدخدایان گذاشت تا به وظایف تعیین شده در نظام‌نامه عمل نمایند و همچنین قراول خانه‌ها را منحل کرد. او در اقدامی دیگر دستور داد طاق‌های کوچه‌های طهران را خراب کنند تا مجرمین نتوانند از روی آنها از خانه‌ای به خانه دیگر بگریزند و تقلای آنها مشکل شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۳۰). پس از مدتی بر اثر کوشش در حراست شهر و نظم بخشیدن به امور و تنظیف بلد (شهر) مورد توجه خاص نایب‌السلطنه و شاه قرار گرفت و در ذی‌حجه ۱۲۹۷ به منصب سرتیپ دومی (امیرتومانی) و در روز شنبه پنجم رجب ۱۳۰۰ ق موفق به اخذ یک قطعه نشان از درجه دوم شیر و خورشید مرصع به جواهر گردید (کریمیان، ۱۳۹۵: ۶۲).

اصلاح زندان‌ها

از اقدامات دیگر کنت اصلاح زندان و امور زندانیان بود. او در بند هجدهم کتابچه قانونی خود سعی کرد تا تمهیداتی بیندیشد که بر اساس آن مدت حبس مجرمان و سارقان در زندان (انبار شاهی) برای آنان سودمند باشد و آنان در هنگام خروج از زندان حرفه‌ای آموخته باشند و به آن مشغول شوند و دیگر مرتکب اعمال خلاف نشوند طبعاً این تصمیم بیشتر ناظر به اصلاح سارقان بود که بسیاری از آنان به علت بیکاری اقدام به سرقت می‌کردند، کنت در این بند پیشنهاد کرد که در زندان شاهی (انبار دولتی) ساختمانی مشتمل بر پنج حجره ساخته شود که زندانیان برحسب استعدادهایشان در پنج حرفه حجاری، نجاری، اره‌کشی، خیاطی و کفاشی تعلیم ببینند. از نظر کنت این اقدام می‌توانست چند نتیجه سودمند داشته باشد: نخست آنکه زندانیان با این اقدام در طول مدت حبس دچار افسردگی و کسالت نخواهند شد. دوم آنکه در نتیجه اشتغال داشتن به شغلی، بنیه بدنی آنها در زندان تحلیل نخواهد رفت و به امراض عفونی و بعضاً لاعلاج که در زندان‌های دوره قاجاریه نمونه‌های فراوانی از آن دیده می‌شد، دچار نخواهند شد. سوم آنکه

در نتیجه این اقدام بسیاری از زندانیان که شاید متنبه شوند، چون برخی از آنها جوانانی مغرور و سرکش بودند و این شغل‌ها را در شان خود نمی‌دیدند. مورد آخر که در پژوهش حاضر مهم به نظر می‌رسد این است دست از این اعمال بردارند. مردمان پست فطرت و اوباش که به زبان عامه خزپوش و دله‌دزد گفته می‌شوند در مدت حبس، قهراً صنعت و کسب بازویی تحصیل می‌نمایند و چون راه معاش به دست آوردند، البته پس از انقضای مدت حبس به افعال سابقه خود رجوع نمی‌کنند و به حرفه تحصیلی لقمه نانی به دست می‌آورند. این تفکر کنت در اجتماع عهد ناصری که هیچ برنامه مدون و مشخصی برای زندانیان وجود نداشت و حتی زندان نظام‌مندی نیز برای سامان دادن زندانیان در نظر گرفته نشده بود، به راستی گامی نوین تلقی می‌شد (بیاتلو، ۱۳۹۸: ۷۴).

با تمام کارشکنی‌هایی که کامران میرزا پسر شاه و حاکم تهران می‌نمود تا کنت در کارش شکست بخورد تا او همانند گذشته بتواند اخاذی کند، این اثریشی ایتالیایی تبار توانست سر و سامانی به وضع آشفته تهران بدهد. ناصرالدین‌شاه که از اقدامات کنت راضی بود و برای اینکه دهن یاوه‌گویان و از جمله کامران میرزا را که در موارد متعدد کوشش می‌نمود اقدامات کنت را بی‌ارزش جلوه دهد؛ ببندد در شعری به ستایش از کنت و کارهایش پرداخت:

زنهار حذر کنید، زندان ز پلیس یک جو نرود به خرج ایشان تدلیس
در کنده «کنت دومونت فرت» خواهد مُرد در چرخ اگر کند خطایی برجیس
(سیفی، ۱۳۶۲: ۷۶)

سایر وظایف نظمی

تشکیل پرونده از جمله نوآوری‌های جدید کنت در نظمی‌ها بوده است همچنین وی برای خوشایند شاه سالی لااقل سه بار رنگ و فرم لباس نفرات پلیس را تغییر می‌داد (حکیمی، ۱۳۷۴: ۵۲). روشنایی شهر که منظور روشن کردن چراغ‌های خیابان محلات تهران بود از وظایف نظمی بود. همچنین سر و سامان دادن به وضعیت قهوه‌خانه‌ها، کسبه، طبیبان، قنوات و میراب‌ها

(نظام‌نامه کنت به نقل از سیفی، ۱۳۶۲: ۶۵-۶۰)، گرفتن دزدان در شب، حفظ و حراست از محلات و دکاکین در شب، برخورد با عربده‌جو، امر و یا نهی به فحاشی و گرفتن زنان بدکاره در صورتی که فسادی بر پا شده باشد بنا به گفته افضل‌الملک تمام به عهده اجزای اداره نظمی است که در جمیع محلات تهران شبانه‌روز منتشر و مقیم هستند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۹۴). دولت‌آبادی از وظیفه دیگر نظمی سخن می‌گوید که تا آن زمان در دولت قاجاریه وجود نداشته است و برای اولین بار بود که از آن استفاده می‌شد آن هم نوشتن عنوان روی پاکت در مراسلات شهری به گونه‌ای که نوشتن عنوان فقط برای نامه‌هایی بوده است که به شهرهای دیگر و یا خارجه فرستاده می‌شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۹). به نظر می‌رسد اقداماتی که در امروزه توسط چندین وزارتخانه و شهرداری‌ها انجام می‌شده است در نظام‌نامه کنت به عنوان وظایف پلیس قید شده است.

از دیگر وظایف پلیس که در فصل هفدهم کتابچه کنت ذکر شده است مبارزه با بدمستی و فروشندگان شرب می‌باشد. کنت اعلام می‌کند که چون دیگر مجازات و تنبیه قادر نیست که جواب این‌گونه افراد را بدهد پس لازم می‌باشد که از این ماده مالیات سنگین گرفته شود که دو جنبه مثبت دارد اول این کار باعث بالا رفتن قیمت شرب می‌شود که هر کسی توان خریدن آن را ندارد دوم پول گزافی به جیب دولت و اداره نظمی می‌رفت (سیفی، ۱۳۶۲: ۵۵). اقدام دیگر این زمان برخورد با قاچاقچیان تریاک و معتادان بود چرا که قبل از تأسیس اداره نظمی با این نوع مجرمان برخورد نمی‌کردند و تریاک کشیدن عموماً جرم محسوب نمی‌شد اما با تشکیل نظمی تریاک‌کشی به عنوان جرم یک بند از کتابچه کنت را به خود اختصاص داد که مجازات آن یک سال (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

بررسی اقدامات کنت و دلایل عزل او توسط ناصرالدین‌شاه

در تحلیل کلی می‌توان اقدامات کنت را از دو وجه مورد بررسی قرار داد: نخست حضور وی در ایران به منظور ساماندهی قوای نظمی که در این باره اسناد و شواهد گویای آن است که تغییرات قابل توجهی در سازمان‌دهی قوای

پلیس ایران ایجاد شده است. برای نخستین بار لباس پلیس، متحدالشکل گردیده و از نظر سازمان اداری تقسیماتی به شکل پلیس دول اروپایی ایجاد شده است که این تغییرات با حمایت شخص شاه مواجه و کراراً مورد حمایت واقع شده است، لذا تا حدود زیادی تقسیمات نظمی سنتی دچار تغییرات جدی شده است. در وجه دوم بر کارکرد این پلیس در ایجاد نظم و امنیت در شهرها خصوصاً پایتخت تأکید دارد که آثار و شواهد و اسناد باقیمانده مانند خاطرات اعتمادالسلطنه، موفقیت آن را با تردیدهای جدی مواجه می‌نماید. این عدم موفقیت می‌تواند از چند منظر مورد توجه قرار گیرد:

الف - مخالفت و کارشکنی‌های درباریان

در رأس این مخالفان کامران میرزا نایب‌السلطنه قرار پسر شاه داشت که کنت موانعی در مقابل فسادهای او ایجاد کرده بود. در نتیجه به هر نحوی در تضعیف او می‌کوشید. عین‌السلطنه در مورد شخصیت فاسد کامران میرزا می‌نویسد: «کامران میرزا به هیچ‌کس رحم نمی‌کند و انگار که تمام افراد از هر قومی دشمن اوست. هیچ‌کس از او خوبی و نیکی ندیده است و خداوند تلافی کند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶۰۵). اما سیفی معتقد است کنت احتمالاً در اموری دخالت می‌کرده که به وظایف او مربوط نبوده است، دخالت‌ها و گزارش اعمال و رفتار دولتمردان به شاه سبب شده که عده‌ای چون کامران میرزا نایب‌السلطنه، امین‌السلطان صدراعظم و میرزاعیسی وزیر حکمران تهران در مخالفت و ضدیت با او برآیند به‌طوری که فوج نایب‌السلطنه با پلیس درگیر می‌شود (سیفی، ۱۳۶۲: ۷۷). به نظر می‌رسد تشکیلاتی که کنت به عنوان استخبارات (جاسوسی) ایجاد کرده بود و اخبار شاهزادگان را به گوش شاه می‌رساند از دلایل ضدیت شاهزادگان با او بوده است. گویا او حتی پس از عزل نیز این فعالیت را انجام می‌داده است. اعتمادالسلطنه در خصوص ادامه این کارها پس از خلع کنت می‌نویسد: «از جمله ترقی کارها پلیس‌های مخفی متعدد است که حالا اخبار منفی می‌دهند، غیر از انتظام‌السلطنه که رئیس پلیس است، کنت هم همان پلیس‌های مخفی را دارد» (سیفی، ۱۳۶۲: ۸۰) که نشان می‌دهد این نوع اقدامات به کرات توسط کنت انجام می‌شده است.

ب- ناکارآمدی نیروی نظمیه

به رغم ایجاد تشکیلات جدید فساد و ناکارآمدی در سطح عناصر نظمیه کماکان ادامه داشته است. با وجود تشکیلات جدید (نظمیه) وضعیت امنیت در تهران نسبت به قبل چندان فرقی نکرد و پلیس نقش چندانی در برقراری نظم و امنیت نداشت و تقریباً در سراسر کشور از مفهوم امنیت اثری نبود و همچنان ظلم و ستم، راهزنی و تجاوز به جان و مال و ناموس مردم رواج داشته است. پلیس جدید تنها توانست برخلاف داروغه و زبردستانش، در حل زد و خوردها و اختلافات و همچنین دستگیری دزدان و مجازات کردن آنها نقش مؤثرتر و کارآمدتری ایفا کند و به نحوه رسیدگی جرایم و دعاوی هم نظم و ترتیب دهد. آنچه مشخص است کنت نتوانست امنیت را در شهرها کاملاً برقرار سازد. او از لحاظ کارکرد امنیتی هم موفق نشد کاری از پیش ببرد؛ زیرا نه مردم حاضر به تسلیم محض به قانون بودند و نه صاحبان قدرت ذره‌ای اجازه می‌دادند از نفوذشان کاسته شود. برای نمونه هنگامی که جلیل میرزا فرزند نادر میرزا از شاهزادگان قاجاری به خانه خود مراجعت می‌کرد توسط نیروی نظمیه محله سنگلج بی‌جهت دستگیر می‌شود. آن گاه او را مست به خانه کدخدا می‌برند. کدخدا به دلیل کینه قبلی که با وی داشت، او را به طرزی فجیع به قتل می‌رساند. شاهزادگان قاجاری که از این قضیه مطلع می‌شوند به کدخدا که در بازداشت به سر می‌برد حمله و او را به میدان ارگ بردند و زنده‌زنده در آتش می‌سوزانند. این اشتباه از سوی نیروی نظمیه باعث می‌شود که ناصرالدین‌شاه خطاب به کنت اعلام کند که محبس موقوف باشد، نه در خانه خود کنت و نه در خانه کدخدا محبس نباشد. محبس منحصر باشد به محبس دولتی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۴۷).

ج- موضوع قیام توتون و تنباکو

ناتوانی کنت از پیش‌بینی و پیشگیری از انقلاب توتون تنباکو و کشف شب‌نامه‌ها علیه شاه بر دلایل نارضایتی ناصرالدین‌شاه افزود. همچنین حضور یک فرنگی نامسلمان در رأس نیروهای انتظامی پایتخت بر بسیاری از سنت‌گرایان و طبقات مختلف گران می‌آمد (معتضد، ۱۳۸۳: ۱۳۸). اگرچه

عده‌ای عزل او را به سبب تعهد شاه پس از لغو انحصار توتون و تنباکو مبنی بر عدم به‌کارگیری خارجی‌ان در مناصب مهم می‌دانند (سپهر، ۱۳۶۸: ۱۳۰)

د- مقاومت جامعه سنتی در ایجاد تغییرات جدید

از نظر امین‌الدوله «بنیان عمل و اصول محل با مقصود مطابقت نداشت» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶) یعنی بلند پروازی‌های کنت را از جمله علل ناکامی او می‌دانند زیرا نظم مورد نظر او از توان جامعه آن دوران خارج بوده است. در این مورد سیاح ژاپنی فورو کاوا در آن موقع از ایران بازدید کرده می‌نویسد «با ملاحظه اصول سیاسی و نظامی ایران می‌توان تصور کرد که پیشرفت سیاسی، ملی و لشگری هنوز به اندازه‌ای نیست که وضع و اجرای مقررات نظامی را امکان دهد» (فورو کاوا، ۱۳۸۴: ۱۲۹). باید گفت که ایران آن روز از دیدگاه تمدن جدید هنوز یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای آن روزگار بوده است و نداشتن برنامه‌های معقول و زیرساخت‌های لازم از جمله راه‌های ارتباطی و فقدان وسایل نقل و انتقال بر عقب‌ماندگی آن اضافه می‌کرد. آن چیزی که کنت را بنا بر مفهوم این پژوهش ناامید از انجام وظایف خود کرده بود علاوه بر وجود مخالفان مختلف در عصر قاجاری، نبودن امکانات لازم برای بزرگ کردن اداره نظمیته برای پوشش دادن کل شهر، عدم برنامه‌ریزی در پرداخت حقوق کارمندان و بودجه نامشخص آن‌ها، وجود سازمان‌های نظامی مشابه مانند قزاق‌خانه، فساد نیروی نظمیته و خودسری افراد این اداره بوده است (رحیمی‌کیا، ۱۳۹۹: ۱۳). اعتمادالسلطنه در این خصوص معتقد است «در این مدت هشت، نه سال که اداره پلیس در طهران بدبختانه تشکیل شده و قریب چهارصد هزار تومان پول دولت مخارج این اداره شده، تنظیمات بلدی و شهری همان است که بود. فرقی که کرده این است که کدخداهای محلات آن وقت غالباً مردمان سالخورده با تجربه متدینی بودند حال جوان‌های فرنگی مآب هستند و البته زیادتر از پانصد تا ششصد نفر اناث و ذکور در محبس پلیس و اتباع او تلف شدند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۹).

نظم‌ناپذیری اخلاق و رفتار مردم که هیچ‌گاه مقید به اطاعت از قانون نبودند، مگر در جاهایی که منافعشان ایجاب می‌کرد. تداوم شیوه لوطی‌گری و

داشت‌مشدی بازی در جامعه و عدم تمکین لوطیان و لات‌ها از مقررات انتظامی و نظم‌ناپذیر بودن روحیه آنان، وساطت‌ها و شفاعت‌ها که در اعمال نظم در جامعه اختلال پدید می‌آورد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)، از جمله دلایل دیگر ناکارآمدی نظمیه به سبک جدید بود. در نهایت ناصرالدین‌شاه حمایت خود را از کنت قطع کرده و پس از ۱۴ سال ریاست بر نظمیه او را در روز سه‌شنبه ۳ رجب ۱۳۰۹ ق عزل کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۹۲). از آن پس به کارهای تشریفاتی از جمله راهنمایی سفیران خارجی به دربار و اموری از این‌گونه مأمور شد. او تا سال ۱۳۳۵ ق برابر ۱۹۱۶ میلادی که در زمان سلطنت محمدعلیشاه در تهران درگذشت، همچنان مستمری خود را دریافت می‌کرده است. وی از نظر نظامی دارای درجه امیرتومانی بود. سیزده فرزند داشت و ارشدشان آرتور، منشی وزارت امور خارجه بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۳۱). البته در این مدت حقوق وی مدتی دچار مشکلاتی هم گردید پس از استقرار مشروطیت دولت به منظور تعدیل درآمد و هزینه به حذف کاهش حقوق و مقرری حاشیه‌نشینان و از کار افتادگان پرداخت. حقوق کنت به نصف کاهش یافت. ناچار دست به دامن سفیر اتریش شد. او ضمن نامه‌ای به مشیرالدوله وزیر خارجه، خدمت طولانی و پرائر کنت را یاد کرد و از او خواست موجبات ترمیم حقوق کنت را به میزان اول فراهم آورد. مشیرالدوله رونوشت نامه سفیر اتریش را با نظر موافق به مجلس فرستاد اما پذیرفته نشد. سفیر اتریش که از این راه مراد نیافت به شاه متوسل شد. محمدعلی شاه دستور داد حقوق کنت را به قرار اول بپردازند، لذا حقوق سه هزار تومان کنت دگربار تعیین شد و در زندگی او گشایش حاصل شد (یغمایی، ۱۳۵۱: ۳۴۸-۳۴۹). پس از مرگ (۱۹۱۶ م، ۱۲۹۵ ش) جسد او را در گورستان دولاب مدفون کردند. پس از او ریاست نظمیه به عهده میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله که مترجم مخصوص و معاون کنت بود محول شد و از آن هنگام تا ورود افسران سوئدی در زمان احمدشاه قاجار و تشکیل دوباره این اداره به سبک اروپایی، نظمیه توسط نظامیان ایرانی اداره می‌شد.

نتیجه‌گیری

اگرچه هدف اصلی سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا خوشگذرانی بوده که متعاقب آن هزینه‌های زیادی بر کشور تحمیل می‌شد، اما یکی از پیامدهای این سفرها مقایسه وضعیت ایران با سایر کشورها و مشاهده پیشرفت‌های کشورهای اروپایی و آگاهی از میزان عقب‌ماندگی ایران بود. نتیجه این آگاهی کلی، در دستور کار قرار گرفتن اقداماتی (اگرچه ناقص و سطحی) برای نوسازی کشور بود. تقسیمات حکومتی، تأسیس وزارتخانه‌ها و ایجاد مجلس مشورتی توسط شاه در این راستا قابل تبیین است. دامنه این تحولات به قوای نظمی نیز کشانده شد و شاه تصمیم گرفت وضعیت نظم و امنیت در کشور را با استفاده از مستشاران غربی و به سبک کشورهای اروپایی سامان دهد. دعوت از کنت برای ورود به ایران و آشنایی او با امورات نظامی فرصت مغتنمی را فراهم آورده بود تا از تجربیات وی برای ساماندهی نظمی کشور استفاده شود تا شاید شرایطی برای عبور از روش‌های سنتی اداره نظمی و ایجاد نظام نوین پلیسی صورت پذیرد. سازماندهی امور اداری نظمی، تدوین نظام‌نامه کنت که آن را می‌توان اولین دستورالعمل جامع تا آن دوران در حوزه امورات پلیسی نام نهاد؛ سر و سامان دادن به وضعیت زندان‌ها، استفاده از البسه منظم، نظم‌دهی به نیروها، سامان‌دهی مشاغل نظمی و غیره از جمله دستاوردهای حضور او (صرف‌نظر از مطامع و منافع شخصی وی در انجام امور) در رأس نظمی بود. به‌رغم تلاش‌های ۱۴ ساله او، فقدان زیرساخت‌های لازم در کشور، فرهنگ نامناسب و سنتی، کمبود اعتبارات برای پرداخت حقوق و مواجب نظامیان و مهم‌تر از همه ناسازگاری و مخالفت‌های داخلی با سبک نوپدید نظمی توسط دولت‌مردان بانفوذ و محافل ویژه که سود خویش را در تداوم نظام سنتی می‌دیدند و مقاومت سرسختانه این نیروهای ارتجاعی با نوسازی، اصلاح امورات را با دشواری‌هایی روبرو نمود و در نهایت اصلاحات کنت در امور نظمی آن‌گونه که شایسته بوده است منجر به نظم امورات و تغییرات اساسی نگردیده است. ولیکن در راستای فرضیه پژوهش می‌توان با کمی اغماض بیان نمود که به‌رغم این کارشکنی‌ها، اصلاحات کنت ادبیات جدیدی را برای فعالیت‌های پلیسی و

انتظام بخشی شهرها در نظام سلطنتی دوره ناصری پدید آورده است و تایید این امر را می توان در الگوگیری سازوکارهای ایجاد شده وی توسط جانشینان بعدی در اداره نظمیه مشاهده نمود.

وی اقداماتی مانند ملبس نمودن قوای نظمیه به سبک و سیاق جدید، تأسیس سازمان اداری به سبک پلیس کشورهای اروپایی، تدوین نظام نامه مدون پلیسی که برای اولین بار شرح وظایف نیروهای نظمیه را برای عموم بیان می نمود، اصلاحاتی برای نظام مند نمودن امور زندانیان، برخورد با قاچاقچیان تریاک و معتادان و اطلاق جرم برای افرادی که به این مشاغل می پرداختند و سروسامان دادن به وضعیت قهوه خانه ها، کسبه، طبیبان، گرفتن دزدان در شب، حفظ و حراست از محلات و دکان ها در شب، برخورد با عربده جویان، مبارزه با زنان بدکاره... را در راستای تأسیس نظمیه به سبک جدید تبیین نمود. این فعالیت ها در نهایت منجر به این اتفاق نظر بین مورخان اعم از مخالف یا موافق گردیده است که اقدامات او شروع مرحله جدیدی از انتظام بخشی امور نظمیه در ایران به سبک و سیاق جدید می باشد و این اصلاحات تفاوت های ملموسی با اداره نظمیه به سبک سنتی و قدیم داشته است. بنابراین او را به حق می توان بنیان گذار پلیس جدید و آغازگر گسست از رویکرد سنتی پلیسی به سوی ساختارهای نوین پلیسی در ایران دانست.

منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷)، اینجا طهران است؛ مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس، تهران: تاریخ ایران.
- اشراقی، احسان (۱۳۶۸)، پلیس عهد ناصری. مجله گنجینه. سازمان اسناد ملی، دفتر دوم (زمستان)، ص ۲ اعتماد السلطنه، محمدحسین خان (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح اسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب .
- افتخارزاده، یحیی (۱۳۷۷)، نظمیه در دوران پهلوی. تهران: انتشارات اشکان.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۷۰)، خاطرات سیاسی امین الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. تهران: انتشارات امیرکبیر
- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۴)، تطور ساختار و تشکیلات انتظامی در ایران دوره قاجاریه. فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی. سال سوم. شماره هشتم. بهار، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بختیاری، محمد و آبادیان، حسین (۱۳۸۹)، روابط سیاسی ایران و اتریش در دوره ناصری (۱۳۱۳ م-۱۲۶۴ ق). تاریخ ایران. شماره ۶۷. زمستان و بهار. صص ۱۶-۱.
- بیاتلو، حسین (۱۳۹۸)، معضلات اجتماعی عهد ناصری در رساله قانون قزوینی با تأکید بر شاخص سرقت، تاریخ و تمدن اسلامی. سال پانزدهم. شماره ۳۰. پاییز و زمستان. صص ۱۲۶-۱۰۱.
- تسویک، استفان (۱۳۴۸)، ژوزف فوشه، ترجمه محسن سیاح، تهران. انتشارات جاودان.
- تهرانی شفق، اکبر (۱۳۸۸)، نیروی انتظامی سه هزار ساله‌ی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بوستان.
- فورو کاوا، توبیوشی (۱۳۸۴)، سفرنامه ایران. ترجمه هاشم رجب زاده، کینیجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- تیموری، ابراهیم (۱۳۸۵)، ایران پیش از انقلاب مشروطیت، سال‌های پابانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۲۳۰-۲۲۷، تابستان و پاییز، صص ۲۳۰-۲۲۷.
- ثواقب، جهانبخش و معظمی گودرزی، سودابه (۱۳۹۴)، اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهارم. شماره دوم. پاییز و زمستان. صص ۲۹-۵۴.
- میرزایی، حسن (۱۳۸۳)، تاریخچه بریگاد و دیویزون قزاق از کلنل دومانتویچ تا میرپنج رضاخان، تهران: نشر علم
- حسن‌بیگی، محمدرضا (۱۳۷۷)، تهران قدیم، تهران: نشر منصور.
- حکیمی، محمود (۱۳۷۴)، داستان‌هایی از عصر ناصرالدین‌شاه، چاپ هشتم. تهران: انتشارات قلم.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷)، سفرنامه دروویل، مترجم جواد محیی، چاپ اول، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، حیات یحیی. جلد اول. تهران: عطار و فردوسی
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۱)، ایران، کلد و شوش. علی محمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران
- رحمانیان، داریوش و میرکیایی، مهدی (۱۳۹۴)، تأثیر گرانی و قحطی نان بر روابط خارجی ایران در عصر ناصری، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی. سال ۵۳. دوره جدید. شماره نهم. صص ۱۴۲-۱۲۷.
- رحیمی‌کیا، صادق (۱۳۹۹)، پلیس (نظمیه). در دوره ناصری. ماهنامه آفاق علوم انسانی. سال چهارم. شماره چهل و سوم، آبان. صص ۱۵-۱.
- زاوش، محمد (۱۳۷۰)، تهران در گذرگاه تاریخ. انتشارات اشاره.
- زنگنه عینالو، رضا (۱۳۹۳)، سیر تحول تاریخی پلیس در ایران. فصلنامه علمی دانش انتظامی هرمزگان. شماره ۱۰، تابستان، صص ۳۹-۱۳.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۶۴)، مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲)، نظم و نظمیه در دوره قاجار. تهران: فرهنگسرا.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲)، نظام‌نامه کنت، تهران: فرهنگسرا.

- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۷)، پلیس خفیه ایران، تهران: ققنوس.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات بهزاد.
- عباس، پرویز (۱۳۹۵)، تاریخ دو هزار و پانصدساله پلیس ایران، جلد سوم. انتشارات دنیای کتاب.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، جلد ۵ و ۲ تهران: اساطیر.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- کریمیان، علی (۱۳۹۵)، نظمیه تهران در عصر ناصری (به ریاست کنت دمونت فُورت)، فصلنامه آرشیو ملی. سال دوم. شماره اول. شماره ۵. صص ۵۸-۷۲.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران
- معتضد، خسرو (۱۳۸۳)، یکصد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی. تهران: سازمان تحقیقات ناجا
- میری، رزیتا (۱۳۸۳)، نظمیه در دوران قاجار. تاریخ معاصر ایران. شماره ۳۰. تابستان. صص ۱۹-۱.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۹۸)، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی؛ پژوهشی در تشکیلات اداری-کشوری و لشگری ایران از عصر مغول تا پایان قاجار، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- یغمایی، اقبال (۱۳۵۱)، کنت دومونت فورت نخستین رئیس پلیس ایران، نشریه یغما، سال ۲۵. شماره ۶، (شهریور).